

درس سی و ششم

کوه آتشین سینا!

خروج ۱۹، ۲۰

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود تعیین کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه باری دیگر برنامه طریق عدالت را به شما تقدیم می‌کنیم.

در درس گذشته، دیدیم که چگونه خدا طوایف اسرائیل را در بیابان حفظ کرد، از آسمان برای آنها غذا نازل کرد تا از گرسنگی نمیرند. همچنین دیدیم بنی اسرائیل از روی بی‌ایمانی گاه و بیگاه خشم خدا را بر می‌افروختند.

امروز می‌خواهیم ببینیم که چگونه خدا در بیابان بر قوم اسرائیل ظاهر شد و شریعت مقدس را به آنها اعطا کرد. امروز باب نوزده، از کتاب خروج از تورات را بررسی خواهیم کرد. این باب چنین آغاز می‌شود: «و در ماه سوم از بیرون آمدن بنی اسرائیل از زمین مصر، در همان روز به صحرای سینا آمدند.» (خروج ۱:۱۹) موسی و قوم اسرائیل به کجای بیابان رسیده بودند؟ آنها به کوه سینا آمده بودند. آیا به یاد دارید کجا خدا موسی را خواند و در بوته مشتعل با او سخن گفت؟ بله، در همین کوه سینا. آیا آن داستان را به یاد دارید؟ خواندیم که خدا بر کوه سینا بر موسی ظاهر شد به او گفت:

هر آینه مصیبت قوم خود را که در مصرند دیدم.... و نزول کردم تا ایشان را از دست مصریان خلاصی دهم... پس اکنون، بیا تا تو را نزد فرعون بفرستم، و قوم من، بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوری... البته با تو خواهم بود. و علامتی که من تو را فرستاده‌ام این باشد که چون قوم را از مصر بیرون آوردی، خدا را بر این کوه عبادت خواهی کرد.» (خروج ۳:۷، ۸، ۱۰، ۱۲)

آیا خدا به آنچه وعده داده بود عمل کرد؟ آیا واقعاً عمل کرد! در قرائتی که امروز از تورات خواهیم داشت، موسی چه جایگاهی دارد؟ موسی و جماعت بنی اسرائیل را در پای کوه سینا خواهیم دید، همانگونه که خدا چهل سال قبل به موسی وعده داده بود، هنگامی که در بوته مشتعل به او گفت، «چون قوم را از مصر بیرون آوردی، خدا را بر این کوه عبادت خواهی کرد!»

حال بیابید به مطالعه خود ادامه دهیم و ببینیم چگونه خدا بر کوه سینا بر موسی ظاهر شد و با تمام قوم سخن گفت. کتاب مقدس می‌فرماید:

و موسی نزد خدا بالا رفت، و خداوند از میان کوه او را ندا در داد و گفت: «به خاندان یعقوب چنین بگو، و بنی اسرائیل را خبر بده. شما آنچه را که من به مصریان کردم، دیده‌اید، و چگونه شما را بر بالهای عقاب برداشته، نزد خود آورده‌ام. و اکنون اگر آواز مرا فی الحقیقه بشنوید، و عهد مرا نگاه دارید، همانا خزانه خاص من از جمیع قومها خواهید بود. زیرا که تمامی جهان، از آن من است. و شما برای من مملکت کهنه و امت مقدس

خواهید بود. این است آن سخنانی که به بنی اسرائیل می‌باید گفت. پس موسی آمده، مشایخ قوم را خواند، و همه این سخنان را که خداوند او را فرموده بود، بر ایشان القا کرد. و تمامی قوم به یک زبان در جواب گفتند: «آنچه خداوند امر فرموده است، خواهیم کرد.» و موسی سخنان قوم را باز به خداوند عرض کرد.

آیا پاسخ بنی اسرائیل به خدا را شنیدید؟ آنها گفتند: «آنچه خداوند امر فرموده است، خواهیم کرد!» آیا آنچه گفتند درست بود؟ آیا آنها می‌توانستند تمام احکام خدا را بجا آورند؟ خدا به خوبی می‌دانست که بنی اسرائیل قادر نبودند هر چه که او حکم می‌کند انجام دهند. آنچه خدا واقعاً می‌خواست این بود که آنها بدانند قادر نیستند خدا را خشنود سازند، و به وضعیت گناه‌آلود خود پی ببرند، و به خبر خوش ظهور نجات‌دهنده ایمان آورند، نجات‌دهنده‌ای که باید به این دنیا می‌آمد تا گناهکاران را نجات دهد. خدا می‌خواست تنها توسط ایمان بنی اسرائیل را ببخشد. راه نجات خدا تنها با ایمان میسر بوده است - ایمان به خدا و نقشه نجات او برای بشر. کتاب مقدس می‌گوید: «واضح است که هیچکس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی‌شود، زیرا که «عادل به ایمان زیست خواهد نمود.»» (غلاطیان ۳: ۱۱)

با این حال، تا بدین لحظه، قوم اسرائیل امیدوار بود که قادر است توسط اعمال صالح خود نزد خدا عادل (پارسا) محسوب گردد. چقدر نادان بودند! آنها فراموش کرده بودند که بارها و بارها خدا را رنجانیده بودند! هنوز نمی‌دانستند که چقدر گناهانشان در نظر خدا بزرگ است! در نظر آنها گناه یک موضوع جدی نبود، اما در نظر خدا که باید آنها را داوری کند، گناه موضوعی بس وخیم بود! خدا قدوس و کامل است، او نمی‌تواند کاری را که کامل نیست انجام دهد! اما بنی اسرائیل تا بدین لحظه به این موضوع پی نبرده بودند. به همین خاطر است که گفتند: «آنچه خداوند امر فرموده است، خواهیم کرد!» اما خدا نقشه‌ای داشت که توسط آن نقشه به آنها ثابت می‌کرد که نمی‌توانند «آنچه خداوند امر فرموده است» انجام دهند! حال بیابید به قرائت کتاب مقدس ادامه دهیم و ببینیم که چگونه خدا بر کوه سینا فرود آمد و جلال و قدوسیت خود را ظاهر ساخت و ده فرمان را به بنی اسرائیل اعطا کرد.

کتاب مقدس می‌فرماید:

خداوند به موسی گفت: «نزد قوم برو... (و به آنها بگو) در روز سوم خداوند در نظر تمامی قوم بر کوه سینا نازل شود... و حدود برای قوم از هر طرف قرار ده، و بگو: باحذر باشید از اینکه به فراز کوه برآیید، یا دامنه آن را لمس نمایید، زیرا هر که کوه را لمس کند، هر آینه کشته شود. دست بر آن گذارده نشود بلکه یا سنگسار شود یا به تیر کشته شود، خواه بهایم باشد خواه انسان، زنده نماند.»... و واقع شد در روز سوم به وقت طلوع صبح، که رعدها و برقها و ابر غلیظ بر کوه پدید آمد، و آواز کرنای بسیار سخت، بطوری که تمامی قوم که در لشکرگاه بودند بلرزیدند. و موسی قوم را برای ملاقات خدا از لشکرگاه بیرون آورد، و در پایان کوه ایستادند. و تمامی کوه سینا را دود گرفت، زیرا خداوند در آتش بر آن نزول کرد، و دودش مثل دود کوره‌ای بالا می‌شد، و تمامی کوه سخت متزلزل گردید. و چون آواز کرنا زیاده و زیاده سخت نواخته شد... و خداوند بر کوه سینا بر قله نازل شد....

و خدا تکلم فرمود و همه این کلمات را بگفت:

«من هستم یهوه خدای تو، که تو را از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم.

(۱) تو را خدایان دیگر غیر از من نباشد.

(۲) صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است، و از آنچه در آب زیر زمین است، برای

خود مساز... زیرا من یهوه خدای تو می باشم.

(۳) نام یهوه خدای خود را به باطل مبر، زیرا خداوند کسی را که اسم او را به باطل برد، بی گناه نخواهد

شمرد.»

(۴) روز سبت را یاد کن و آن را تقدیس نمایی.

(۵) پدر و مادر خود را احترام نما.

(۶) قتل مکن.

(۷) زنا مکن.

(۸) دزدی مکن.

(۹) بر همسایه خود شهادت دروغ مده،

(۱۰) به خانه همسایه خود طمع مورز، و به زن همسایهات و غلامش و کنیزش و گاوش و الاغش و

به هیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد طمع مکن.»

و جمیع قوم رعدها و زبانهای آتش و صدای کرنا و کوه را که پر از دود بود دیدند، و چون قوم این را

دیدند لرزیدند، و از دور بایستادند. و به موسی گفتند: «تو به ما سخن بگو و خواهیم شنید، اما خدا به

ما نگوید، مبادا بمیریم.» موسی به قوم خود گفت: «مترسید زیرا خدا برای امتحان شما آمده است، تا

ترس او پیش روی شما باشد و گناه نکنید.» پس قوم از دور ایستادند.....

در اینجا از قرائت کلام باز می ایستیم. به یاری خدا در برنامه بعدی هر یک از ده فرمانی را که خدا در

کوه سینا به قوم اسرائیل اعطا کرد به طور مجزا بررسی خواهیم کرد. اما پیش از اینکه از شما خداحافظی کنیم،

موضوعی است که خدا می خواهد به ما بیاموزد. آنچه که ما باید بیاموزیم این است: خدا قدوس است و هیچ کس

نمی تواند بر مبنای تلاشهای خود به او نزدیک شود. کتاب مقدس به ما تعلیم می دهد که «هر بشری مانند گیاه

است» (۱ پطرس ۱: ۲۴) و «خدا آتشی فروبرنده است!» (عبرانیان ۱۲: ۲۹) همه ما می دانیم اگر گیاهی در مقابل

آتش قرار بگیرد چه بر سرش می آید!

امروز در آغاز درس خود، خواندیم که اسرائیلیان به موسی چه گفتند، «آنچه خداوند امر فرموده است،

خواهیم کرد.» آنها این را گفتند، زیرا از قدوسیت خدا چیزی نمی دانستند. گمان می کردند که با تلاش خود

می توانند خدا را راضی کنند. اما هنگامی که خدا بر کوه سینا بر آنها ظاهر شد، تغییر چشمگیری در دیدگاه آنها

ایجاد شد! هنگامی که بنی اسرائیل رعد و برق و دودی را که از کوه سماع می شد مشاهده کردند و صدای خداوند

را که با ده فرمان طنین انداز شده بود شنیدند، از ترس به خود «لرزیدند، و از دور بایستادند. و به موسی گفتند: «تو به ما سخن بگو و خواهیم شنید، اما خدا به ما نگوید، مبادا بمیریم!»

از این رو، قوم اسرائیل قدوسیت کامل خدا را درک کردند و دریافتند که به هیچ وجه نمی‌توانند به او نزدیک شوند. آنها در پای کوه سینا از این حقیقت کتاب مقدس آگاهی یافتند: «هر بشری مانند گیاه است» و «خدا آتش فرو برنده است!» (۱ پطرس ۱: ۲۴؛ عبرانیان ۱۲: ۲۹) آیا اسرائیلیان در حضور خدای قدوس می‌توانستند بگویند، «مشکلی نیست! هر چه که خدا گفته است انجام خواهیم داد!»؟ خیر، به هیچ وجه! اکنون قوم اسرائیل می‌دانستند که مشکلی دارند؛ مشکلی بسیار جدی! آنها قدوسیت خدا و سختی شریعت را حس کردند؛ آنها به ناپاکی و ناتوانی خود در برابر شریعت خدا پی بردند. آنها احساس کردند گیاهی خشک در میان آتشی سوزان هستند!

شما چطور؟ آیا قدوسیت خدا را درک کرده‌اید؟ آیا می‌دانید که خدا و شریعت او کامل و عادل هستند؟ آیا می‌دانید که دل و اعمال شما در مقابل خدا ناقص و ناپاک هستند؟ یا اینکه همچون بنی اسرائیل گمان می‌کنید که، «مشکلی نیست، آنچه را که خدا می‌خواهد انجام خواهم داد! با اعمال خوب خودم به خدا نزدیک می‌شوم!» مسلماً چنین تفکری با افکار خدا جور در نمی‌آید. آیا کسانی که ناپاک هستند و به گناه آلوده شده‌اند می‌توانند به حضور کسی که پاک و قدوس است بروند؟ خیر، نمی‌توانند! آیا خدا می‌تواند آنچه را که تا حدی خوب و تا حدی بد است بپذیرد؟ نه او نمی‌تواند و نمی‌خواهد! خدا قدوس است و نمی‌تواند آنچه را که قدوس نیست بپذیرد! او کامل را می‌خواهد! آیا این را می‌دانید؟ یا آیا به این امید نشسته‌اید که در روز داوری اعمال خوب شما اعمال بد شما را پاک کند؟ اگر چنین بود دیگر خدا داوری عادل نبود! برای روشن شدن این موضوع از شما می‌پرسم اگر یک قاضی به قاتلی که مرتکب قتل شده است بگوید، «شما مرتکب قتل شده‌اید، اما به خاطر اعمال خوبی که در گذشته انجام داده‌اید، شما را محکوم نمی‌کنم، و شما آزادید.» با خود چه فکر می‌کنید؟ در مورد قاضی‌دای که چنین حکمی صادر کرده است چه می‌توان گفت؟ مسلماً می‌گوییم او قاضی بی‌انصافی است.

دوستان، خدا یک داور عادل است! او نمی‌تواند گناه را نادیده انگارد! خداوند خدایی که باید دنیا را داوری کند تنها می‌تواند به عدالت داوری کند! عدالت خدا مستلزم مجازات گناه است. و آن مجازات مرگ و جدایی کامل از خدا است! اعمال نیکویی که ما انجام می‌دهیم نمی‌تواند دین ما را نسبت به گناه تخفیف دهد. کتاب مقدس در مورد اعمال نیکوی ما می‌گوید: «جمع ما مثل شخص نجس شده‌ایم و همه اعمال عادلانه ما مانند لته ملوث می‌باشد.» (اشعیا ۶۴: ۶) خدا همچون آتش فروبرنده است و اعمال نیکوی بنی آدم همچون گیاه خشک. ما با عدالت خود نمی‌توانیم در مقابل آتش قدوسیت خدا تاب بیاوریم!

آیا بنی اسرائیل به خود جرأت دادند تا به آتش خدا که از کوه سینا نازل می‌شد نزدیک شوند؟ آیا سعی کردند از کوه بالا بروند تا به آنجایی که خدا بود برسند؟ آیا آنقدر جسارت داشتند که به کوهی که با رعد و برق می‌لرزید نزدیک شوند؛ کوهی که از آن دود ساطع می‌شد، همچون دودی که از تنور بیرون می‌آید؟ خیر! آنها به کوه نزدیک نشدند! آنها دور ایستادند و از ترس به خود می‌لرزیدند! هیچ‌کس از آنها به خود جرأت نداد که به

کوه نزدیک شود، به خاطر ترسی که از قدوسیت خداوند خدا و قدرت مهیب او داشتند. اما آن ترس برای آنها بسیار خوب بود، زیرا کلام خدا می گوید: «ترس یهوه (خداوند) آغاز علم است!» (امثال ۱:۷)

دوستان من برنامه امروز ما به پایان رسیده است. اما شما را تشویق می کنیم آنچه را که امروز خواندیم و شنیدیم به خاطر بسپاریم: خدا قدوس است و باید انسانها را بر طبق معیار قدوسیت خود داوری کند. خدا قدوس است و نمی تواند گناه را نادیده انگارد. خدا قدوس است و ما نمی توانیم بر حسب شایستگی های خود به او نزدیک شویم!

در درس بعدی، به یاری خدا ده فرمانی را که خدا بر کوه سینا به بنی اسرائیل اعطا کرد بررسی و تفسیر خواهیم کرد. از اینکه به برنامه ما گوش دادید، سپاسگذاریم.....

خدا به شما برکت دهد. به این حقیقت بنیادین کلام خدا فکر کنید:

«ترس یهوه (خداوند) آغاز علم است!» (امثال ۱:۷)